Cultural Heritage Records Studies
ISSN: 2538-1644 | Volume 5, No. 1. Spring-Summer 2022

A Reflection on Iran Pigeon Houses Relying on Written Sources

Mohammad Mortezaei[1], Seyedeh Sara Mohammadi[2]

1 Associate Professor, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran.

2 Ph.D. in Archaeology, Expert of the Institute of Historical and Cultural Buildings and Textures, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism (Corresponding Author).

Recieved 2022/07/01 | Accepted 2022/09/22

Abstract

Vernacular architecture is a type that is derived from cultural patterns and indicates the customs, spirit, emotions, thoughts, beliefs, tastes, and art of the society. This type of architecture grows within societies and adapts to the social and ecological conditions of that community. The main characteristics of vernacular architecture are the participation of people in its construction, using natural materials, harmony with nature, and utilizing local techniques. “Pigeon tower” or “pigeon house” is one of the less known and introduced local buildings which is to be studied in the present article in order to achieve an analytical knowledge of it, through historical texts and travelogues. Therefore, it is very important to review the texts of the aforementioned documents and extract the materials related to pigeon houses for preparing the database. For this purpose, special attention has been paid to the review and classification of the materials, in terms of transposition as well as subject diversity. After the classification of research materials, the position and features of pigeon houses have been investigated in the context of their formation during different Islamic periods, in the first step. Then, the history and the legal system of them have been studied. Also, the geographical distribution of pigeon houses has been studied.

Keywords: Pigeon house, Historical texts, Travelogues.

Copyright © 2020-2021 Cultural Heritage Records Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

Mortezaei, Mohammad, Mohammadi, Seyedeh Sara. (2022). A Reflection on Iran Pigeon Houses by Relying on Written Sources. *Cultural Heritage Records Studies*, *4*(1), 80-93.

Corresponding Author: Seyedeh Sara Mohammadi, Ph.D. in Archaeology, Expert of the Institute of Historical and Cultural Buildings and Textures, Research Institute of Cultural Heritage and Tourism (RICHT), Tehran, Iran.
Email: smohammadi66@alumni.ut.ac.ir

Cultural Heritage Records Studies
شماره شاپا: ۱٦٤٤-۲۵۳۸ | سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۲

تأمّلی بر کبوترخانه‌های ایران با اتکاء به منابع مکتوب

محمدمرتضایی[۱]، سیده سارا محمدی[۲*]

۱- دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران. ایران.
۲- دکتری باستان‌شناسی، کارشناس پژوهشکدهٔ ابنیه و بافت‌های فرهنگی و تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران. ایران

دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۰ | پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۳۱

چکیده

معماری بومی، گونه‌ای از معماری است که برگرفته از الگوهای فرهنگی و نمایانگر آداب و رسوم، روحیه، احساسات، اندیشه، عقیده، ذوق، سلیقه و هنر جامعه است. این نوع معماری درون جوامع رشد کرده و خود را با شرایط اجتماعی و اقلیمی سازگار می‌سازد. از شاخصه‌های اصلی معماری بومی مشارکت مردم در ساخت و ساز، استفاده از مصالح بوم‌آورد، هماهنگ با طبیعت و به کارگیری فنون محلی است. «برج کبوتر» یا «کبوترخانه» یکی از بناهای بومی کمتر شناخته و معرفی شده است که نگارندگان سعی کرده‌اند از خلال متون تاریخی و سفرنامه‌ها، به شناخت تحلیلی این گونه بناها دست یابند. بر این اساس، بررسی متون اسناد پیش گفته و استخراج مطالب مرتبط با کبوترخانه‌ها، به عنوان پایگاه داده‌های مقاله، از اهمیت بسیاری برخوردار است. بنابراین، نگارندگان با اهتمام ویژه‌ای به مطالعه و طبقهبندی مطالب از نظر تقدم و تأخر زمانی و همچنین تنوّع موضوعی اقدام نمودند. در نتیجه، پس از طبقه‌بندی مطالب مورد نظر، در گام نخست، به بررسی جایگاه و ویژگی کبوترخانه‌ها در بستر شکل‌گیری آنها در دوره‌های مختلف اسلامی و سپس به بررسی قدمت کبوترخانه‌ها و نیز نظام حقوقی دایر بر آنها پرداخته‌اند. در بخشی از مقاله نیز، پراکنش جغرافیایی کبوترخانه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: کبوترخانه، متون تاریخی، سفرنامه‌ها.

کپی‌رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی : دسترسی آزاد؛ کپی‌برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

مرتضایی، محمد، محمدی، سیده سارا (۱۴۰۱). تأمّلی بر کبوترخانه‌های ایران با اتکاء به منابع مکتوب. مطالعات اسناد میراث فرهنگی. *مطالعات اسناد میراث فرهنگی*، ۴ (۱) : ۸۰-۹۳

* نویسندهٔ مسئول: سیده سارا محمدی، دکتری باستان‌شناسی، کارشناس پژوهشکدهٔ ابنیه و بافت‌های فرهنگی و تاریخی، پژوهشگاه میراث فرهنگی وگردشگری، تهران، ایران
پست الکترونیک: smohammadi66@alumni.ut.ac.ir.

مقدمه

«کبوترخانه‌ها»، ازگونه‌های بومی و اصیل در معماری ایرانی محسوب می‌شوند که هدف اصلی سازندگان این بناها، ایجاد مکانی امن برای نگهداری، تکثیر و زادآوری کبوتران، به منظور استفاده از فضولات آن‌ها به عنوان کود در تقویت و حاصلخیزی خاک اراضی کشاورزی، بوده است. به همین دلیل، این بناها عموماً در مجاورت یا مرکز اراضی کشاورزی، که زیرکشت انواع محصولات زراعی قرار داشت، ساخته می‌شدند. معماران ایرانی، علاوه بر جنبه مهم کارکردی آن، از دیدگاه هنری و معماری نیز به این گونه بناها توجه کرده‌اند. به همین جهت، مورخان و جهانگردان مختلف، در یادداشت‌های خود به مسائل متعددی در رابطه با آنها پرداخته‌اند، اما متأسفانه با توجه به موقعیت قرارگیری این دسته آثار (عمدتاً مزارع کشاورزی) و بازتاب تعداد قابل توجه بناهای متنوع تاریخی دوره اسلامی، محققان و پژوهشگران حوزه تاریخ معماری و باستان شناسی، آن‌گونه که شایسته است، به آنها توجه نکرده و در معدود مطالعات انجام شده نیز به معرفی و توصیف این بناها بسنده کرده‌اند. در صورتی‌که بنای برج کبوتر از ابعاد مختلف معماری و اجتماعی قابل بررسی است. باتوجه به مطالعات انجام شده توسط نگارندگان، به نظر می‌رسد کبوترخانه به عنوان یک بنای تاریخی، به جایگاه فاخر خود دست نیافته است و نیازمند مطالعه و معرفی بیشتر است. به همین دلیل، مهم‌ترین هدف مقاله با رویکرد بررسی کبوترخانه در متون و سفرنامه‌های تاریخی، ارزیابی جایگاه اجتماعی و معماری کبوترخانه در دوره‌های مختلف تاریخی است. انتظار می‌رود در پایان مطالعات انجام شده، بتوان به اهمیت وجود و تأثیر کبوترخانه‌ها در مسائل اجتماعی و فرهنگی، بر اساس مستندات تاریخی، دست یافت و تحلیلی روشن از جایگاه معماری آنها در بستر اجتماعی هر دوره ارائه نمود.

پیشینهٔ تحقیق

تحقیقات و پژوهش‌های انجام گرفته دربارهٔ کبوترخانه‌ها به طور اعم و محدودهٔ مورد نظر به طور اخص، بسیار محدود بوده و در پژوهش‌های صورت‌گرفته نیز، تنها به توصیف کلی این بناها پرداخته شده است. مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته از جمله پژوهش‌های مرتضی فرهادی (۱۳۶۹ـ۱۳۷۲ـ۱۳۷۷)، با عناوین «کبوترخانه‌های کمره»، «نیم‌نگاهی به کبوترخانه‌های ایران»، «نگاهی به اهمیت و پیشینهٔ کبوترخانه‌های ایران»، «کبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی»، «کبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی»، «کبوترخانه‌های ایران، اعجاز معماری و خلاقیت در کار کشاورزی» به بررسی کبوترخانه‌های منطقهٔ گلپایگان و خوانسار استان اصفهان از منظر معماری، کشاورزی و معرفی آنها پرداخته است. محمد محمودیان و علی چیت‌ساز (۱۳۷۶)، در کتابی با عنوان «برج‌های کبوتر اصفهان» به معرفی و بررسی سازهٔ معماری برج‌ها، در سایر مناطق استان پرداخته‌اند. سعید هادی‌زاده کاخکی (۱۳۸۱)، در کتاب «کبوترخانه‌ها در ایران» به معرفی اجمالی کبوترخانه‌ها و کارکرد آنها پرداخته است. سیده ساجده محمدی (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی برج‌های کبوتر استان اصفهان» به معرفی و شناسایی کبوترخانه‌های استان اصفهان و بررسی آنها از نظر معماری و پراکنش پرداخته است. آرتورپوپ (۱۳۸۴)، ایران‌شناس معروف نیز، در کتاب «هنر و معماری ایران» از این بنا یاد نموده است. به طور کلی منابع نام برده شده، به بررسی شاخصه‌های معماری، مصالح و کاربرد کبوترخانه‌ها پرداخته‌اند و کمتر به تحلیل جایگاه و تأثیر اجتماعی و روند تحولات آنها اشاره کرده‌اند. بر این اساس، نگارندگان در نظر دارند به نگرشی نو در زمینه معرفی کبوترخانه‌ها دست یابند.

وجه تسمیه کبوترخانه

نام «کبوترخانه» و واژگان مترادف آن یعنی «ورده»، «برج» و «برج کبوتر»، بارها در فرهنگ لغات آمده است. برای مثال در *لغت‌نامهٔ فرس* که از نخستین فرهنگ‌های لغت فارسی است، واژهٔ «ورده» به معنای چوبی که کبوتران را با آن می‌پرانند، معنا شده است (اسدی طوسی،۱۳۵۶: ۳۴). در *صحاح الفرس*، مربوط به قرن هشتم هجری (نخجوانی، ۱۳۵۵: ۲۹۹)، *مجمع الفرس* مربوط به قرن یازدهم هجری (سروری، ۱۳۸۸: ۱۵۰۰) و نیز در فرهنگ‌های بعدی، ورده به معنای برج کبوتران آمده است. در *برهان قاطع*، ورده «مطلق برج عموماً و برج کبوتر خصوصاً» (ابن خلف تبریزی، ۱۳۳۶: ۴۶) و در *فرهنگ نفیسی* «خانهٔ کبوتر در سنگستان و خصوصاً برج کبوترخان» معنا شده است (نفیسی، ۱۳۴۳: ۱۵۹). در *لغت‌نامه دهخدا* برج به معنی «محل فرود آمدن کبوتران نامه بر و کبوترخان» است. دهخدا ذیل واژه کبوترخان، معانی آن را چنین آورده است: «برج حمام؛ برج کبوتر؛ کبوترخانه» (دهخدا، ۱۳۶۳: ۲۳۲). در *غیاث اللغات* معانی برج چنین آمده است: «در ایران رسم است که عمارت بلند چشمه در صحرا سازند و آن خاصه برای کبوتران است موسوم به برج کبوتران؛ چون پیخال[1] کبوتر به کار رنگرزان آید. محصول برج کبوتر در سر کار پادشاهی رسد و بعضی نوشته‌اند که برج کبوتر؛ خانه‌کبوتر را گویند» (رامپوری، ۱۳۶۳: ۱۲۴). در گویش قمشه «منطقه شهرضا» به برج‌کفتری[2] معروف است (راعی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). در متون جغرافیایی به روستاها و اماکن زراعی با نام کبوترخان و نام مترادف آن اشاره شده است. به عنوان نمونه حمدالله مستوفی در قرن هفتم هجری، در *نزهت القلوب* از دِهی میان نیشابور و سرخس، با نام «کبوترخانه» یاد کرده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۷۵). اماکن و روستاهایی با نام «ورده» در ساوه، تهران و مهاباد؛ «وردی» در کازرون؛ «وردیج» و «وردان» در تهران و خوی و روستاهایی به نام کبوترخان در دامغان و رفسنجان و تربت حیدریه و «کبوترلان» در بروجرد و دزفول و خرم آباد و «کبوتردان» در بابل نیز ذکر شده‌اند (مفخم پایان، ۱۳۳۹: ۴۸۵). همچنین ورده در *فرهنگ نفیسی* به معنای «خانه کبوتر در سنگستان» و خصوصاً «کبوترخانه» آمده است (نفیسی، ۱۳۴۳: ۱۵۹). ذکر اسامی کبوترخانه و کلمات مترادف آن در متون یاد شده، حاکی از اهمیت این سازه‌ها و آشنایی مردم با این بناهاست. حتی در برخی دوره‌ها به اجاره دادن کبوترخانه‌ها نیز اشاره شده است (جابری انصاری، ۱۳۵۸: ۶۴).

علاوه بر آن، برخی از نویسندگان و شعرای ایرانی در نوشته‌های خود از واژه‌های «کبوترخانه» و یا واژگان مترادف آن همچون «ورده» و «برج کبوتر» استفاده کرده‌اند. خاقانی شروانی (۱۳۳۸: ۱۱۷)، نظامی (۱۳۸۵: ۲۸۹)، مولانا در *مثنوی معنوی* (گوهربین، ۱۳۳۸: ۶۴۹) و در *غزلیات شمس* (۱۳۸۱: ۳۳۰)، و همچنین سروری کاشانی شاعر قرن یازدهم ه.ق (سروری کاشانی، ۱۳۳۸: ۱۵۰۰) واژهٔ کبوترخانه را در اشعار خود به کار برده‌اند.

بررسی جایگاه و ویژگی‌های کبوترخانه در خلال متون جغرافیایی و سفرنامه‌ها

منابع مکتوب و منابع جغرافیایی، به ویژه سفرنامه‌ها از قرن چهارم، ششم و هشتم هجری به کبوترخانه‌ها اشاره کرده‌اند. در دوره صفوی، بر اساس گفته‌های شاردن و کمپفر تراکم آنها بیشتر شد و در دوران قاجار بیشتر از کبوترخانه‌ها نام بردند و به توصیف آنها پرداختند. اطلاعات منابع مذکور را می‌توان از منظرهای پراکنش، زیبایی شناختی، معماری، عملکرد، مصالح و مالکیت دسته بندی و به شرح ذیل مورد استفاده قرار داد:

عملکرد کبوترخانه به گونه‌ای است که قرارگیری آن در بین باغات و مزارع کشاورزی اجتناب‌ناپذیر است. بر

[1] (سرگین طیور؛ فضله مرغ)

[2] borj kafteri

این اساس، ساخت برج‌های خشتی با نمای کاهگل در مزارع سرسبز، باعث ایجاد مطلوبیت بصری شده است؛ چنانچه اکثر جهانگردان و مورخین در بین مطالب خود به آن اشاره کرده‌اند، نرشخی (۱۳۵۱: ۲۸۳) از مورخان قرن چهارم ه.ق (۲۸۶ـ۳۴۸ ه.ق) در کتاب *تاریخ بخارا* به ساخت کبوترخانه اشاره‌هایی داشته است. سپس، احمد طوسی همدانی (۱۳۷۵: ۲۹۶) در *عجایب‌المخلوقات* مربوط به نیمه قرن ششم ه.ق، ذیل واژه کبوتر و قزوینی (۱۳۶۱: ۴۱۴) در *عجایب‌المخلوقات و غرایب‌الموجودات* مربوط به قرن هفتم ه.ق به برج کبوتر اشاره کرده و به معرفی برخی از دشمنان کبوتر پرداخته‌اند.

اما *سفرنامه ابن بطوطه*[۳] کهن‌ترین سفرنامه‌ای است که در آن از برج‌های کبوتر یاد شده است. او در سفر طولانی خود به اصفهان در قرن هفتم هجری، ضمن اشاره به کبوترخانه‌های بین راه قریه فیلان (فلاورجان امروزی) و اصفهان چنین نگاشته است: «فیلان قریه بزرگی است که بر روی رودخانه عظیمی ساخته شده و در کنار آن مسجد زیبایی وجود دارد. و از زمین تا داخل مسجد پله‌ای می‌خورد و اطراف مسجد را باغ‌ها فرا گرفته است. آن روز نیز از وسط باغ‌ها و آب‌ها و روستاهای زیبا که برج‌های کبوتر زیادی داشت به مسیر خود ادامه دادیم... » (موحد، ۱۳۶۱: ۲۱۱). چندین قرن بعد، در قرن سیزدهم هجری، لیدی شیل[۴] (۵۳-۱۸۴۹م) در خاطراتش به اصفهان و بازدید از این شهرتاریخی، از تعداد قابل توجه کبوتر و کبوترخانه متحیر شده و نوشته است: «اصفهان برای کبوتران در حکم ارض موعود است. انبوه کبوتر، دسته دسته مثل ملخ در سراسر این شهر به جولان مشغول‌اند، با آنکه مورد مصرف غذایی ندارند. اصولاً مردم به آنها دل بستگی و علاقهٔ فراوانی دارند و سعی می‌کنند که هرچه ممکن است تعداد بیشتری کبوتر در اصفهان پرورش دهند. برای این کار نیز محل‌های مخصوصی به شکل برج‌های مرتفع به رنگ سفید ساخته‌اند که در سراسر ایالت پراکنده است و از آنها بیشتر از هر بنای دیگری مواظبت می‌کنند» (شیل، ۱۳۶۸: ۱۹۷ و ۱۹۸). با توجه به اقدامات عمرانی دوره صفویه و اذعان اکثر مورخان و جهانگردان به این موضوع، به نظر می‌رسد اوج ساخت و توسعه کبوترخانه در دوره صفویه بوده است، اما با شروع تحولات سیاسی و افول حکومت‌های مرکزی از دوره افشاریه، یک جریان رهاسازی و تخریب کبوترخانه‌ها در گذر زمان رخ داد، به‌طوری که در دوره قاجار می‌توان بازتاب آن را در متون تاریخی و سفرنامه‌ها مشاهده کرد. ارنست هولتسر[۵] (۱۸۶۲م) پس از اشاره به کارکرد برج‌های کبوتر و زمینه استفاده از کود کبوتران، سرنوشت برج‌ها را در آن دوران با لحنی تأسف‌انگیز چنین عنوان نموده است: «این برج‌ها، مخصوصاً برای پرورش کبوتر و نگهداری تعداد حتی‌الامکان زیادی کبوتر ساخته شده تا از فضولات آنها به جای کوت (همان کود) مزارع به خصوص خربزه استفاده شود. بیست سال پیش تعداد زیادی از آنها وجود داشتند، اما بسیاری از آنها در اثر اهمال کاری درهم ریختند و بعد خرابشان کردند. مخصوصاً پس از قحطی ۱۸۶۹-۱۸۷۰م. که عدهٔ زیادی از کبوترها کشته و یا پراکنده شدند. بدون شک، حاکمان و خدمت گزاران آنها بیش از دیگران مزاحم کبوتران شدند و دهقانان و مالکین برج‌ها دیگر قادر نبودند جلوی تیراندازی آنها را بگیرند. سابقاً تیراندازی به کبوتران در این حوالی طبق قانون قدغن بود. به علاوه تفنگ‌های قدیمی به اندازه تفنگ‌هایی که از اروپا وارد می‌کنند، صدمه نمی‌رساند.» (هولستر، ۱۳۵۵: ۸۲) با این وجود، به نظر می‌رسد در همین زمان، همچنان تعداد قابل توجهی از برج‌های اصفهان زیبا و پابرجا بوده‌اند. نمونه‌های باقی مانده از این بناهای تاریخی، گویای تنوع ساختاری، معماری، هنری و کاربردی آنها است که در سفرنامه‌های تاریخی نیز به آن

[۳] قرن هشتم هجری

[4] Lady Sheil

[5] Ernst Hoeltzer

اشاره شده است. انگلبرت کمپفر[6] (۶۸۳-۱۶۸۵ م) چنین بیان کرده است: «کبوترخانه‌ها از سایر بناها مرتفع‌تر است و از دور، نگاه بیگانگان را به خود جلب می‌کند» (کمپفر، ۱۳۶۰: ۲۱۷) (تصویر ۱).

تصویر ۱. نگاره‌ای از برج کبوتر واقع در باغ هزار جریب
(مأخذ: کمپفر، ۱۳۶۰: ۳۶۱)

ژان دیولافوا[7] (۸۶-۱۸۸۴ م) از زیبایی برج‌های کبوتر اصفهان در مقایسه با نمونه‌های شهرضا یاد کرده است (راعی، ۱۳۸۸: ۱۵۸). همچنین الیزابت بیزلی[8] (۱۹۶۰) در خصوص تزیینات برج‌ها معتقد است «تزئینات خارجی برج بستگی به اندازهٔ برج دارد و عناصر تزیینی در عین حال عملکرد کارکردی خود را داشته‌اند. به عنوان مثال، نوارهای اندود گچ که معمولاً با آهک یا گل اخرا رنگ شده‌اند، به طور حتم برای نگاه داشتن مارها در خارج برج می‌باشند» (بیزلی، ۱۳۷۴: ۷).

آبراهام ویلیامز جکسن[9] که در سال‌های ۱۹۰۳، ۱۹۱۷ و ۱۹۱۸ م. به ایران سفر کرده است؛ ضمن توصیفی شاعرانه از دشت اصفهان و مناظر اطراف آن، از برج‌های کبوتر به عنوان یک ویژگی خاص یاد نموده و هدف از ساخت آنها را چنین عنوان کرده است: «این کبوترخانه‌های برج آسا که از گل و آجر ساخته شده و به آسیاب‌های بادی شبیه هستند که پرده‌های پروانه‌ای آنها شکسته باشد، مأمن و آشیانه‌ی هزاران هزار کبوتر است» (جکسن؛ ۱۳۵۷: ۳۰۶-۳۰۵).

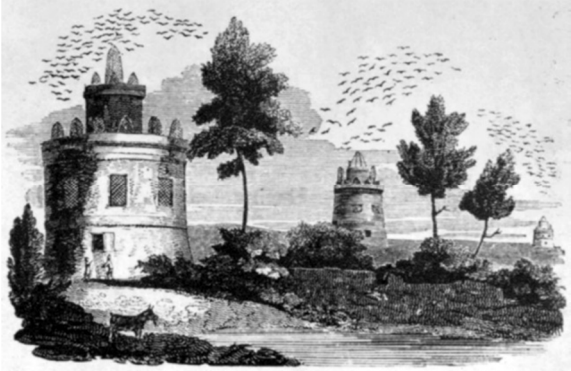

تصویر۲. طرح موریه از یک کبوترخانه در اصفهان در سال ۱۸۱۰ـ۱۸۱۶م
(مأخذ: Beazly, 1966: 107)

فردریک ریچاردز[10] (۱۹۳۰م) عضو انجمن سلطنتی نقاشان و حکاکان انگلستان، در سفرنامه خود با هیجان و تحسین از برج‌های کبوتر یاد کرده است. او در تلاش بود تا وصف عینی و ذهنی هرچه کامل‌تری به مخاطب ارائه بدهد. برای این منظور، به ساختار بیرونی و درونی، محصول، نحوه کارکرد، مصالح و شیوه ساخت و روش‌های نگهداری آنها اشاره کرده است: «یکی از برجسته‌ترین و شگفت انگیزترین چیزها، در حول و حوش اصفهان، برج‌های گرد و بلندی است که قسمت فوقانی آنها دارای طرح‌های زیبا و دل انگیزی است... » (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۷۳). اوژن فلاندن[11] (۱۲۱۹-۱۲۲۱ه.ق) که در زمان محمد شاه قاجار به ایران سفر کرد، برج‌های کبوتر را سازه‌هایی مستحکم و زیبا توصیف کرده است: «بین جلفا و خرابه‌ها، چندین برج کبوتر یافت می‌شود. این برج‌ها انسان را به خود جلب می‌کند؛ که خیلی بزرگ، محکم و قشنگند» (فلاندن، ۱۳۵۶: ۲۶۸).

مریت هاکس[12] برج‌های کبوتر را از ویژگی‌های شاخص خطهٔ اصفهان دانسته و از آنها به عنوان بناهایی عجیب و جالب یاد کرده است» (هاکس، ۱۳۶۸: ۶۹).

[6] Kaempfer
[7] Jane Dieulafoy
[8] Beazly
[9] Abraham Williams Jackson
[10] Frederick Richards
[11] Eugene Flandin
[12] Merritt Hawkes

همچنین با مطالعهٔ سفرنامه‌ها می‌توان به ویژگی‌های معماری برج‌های کبوتر پی برد. ژان شاردن[13] (۱۶۶۴-۱۶۷۰م) در خصوص معماری کبوترخانه‌ها نوشته است: «...این برج‌های کبوتران از بزرگ‌ترین کبوترخانه‌های ما شش بار بزرگ‌ترند و با آجر و خشت ساخته شده و رویش گچ و آهک می‌کشند (تصویر۴). در تمام سطوح داخلی دیوارهٔ بنا، از بالا به پایین سوراخ‌هایی تعبیه می‌کنند تا کبوتران در آنها آشیانه کنند» (شاردن، ۱۳۳۰: ۳۸۶). انگلبرت کمپفر (۱۶۸۳-۱۶۸۵ م) ضمن معرفی باغ هزار جریب، دربارهٔ برج‌های کبوتر نیز توصیفی ارائه کرده است: «از این‌ها گذشته باید از چهار کبوترخانه یاد کرد که معمار در چهار گوشه زمین بنا کرده است. اینها «کبوترخانه‌ها» را به شکل برج قلعه‌ها و از خشت خام ساخته‌اند. سقف آن دارای سوراخ‌های متعدد برای کبوترهاست و کنگره‌ای نیز برای آن ساخته شده است. در داخل آنها هزار لانهٔ ردیف هم دیده می‌شود که کبوتران در آنها قرار می‌گیرند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۲۱۷). همچنین کنت دوگوبینو[14] (۵۸-۱۸۵۵ م) در یادداشت‌های خود از کارکرد و محصول برج‌های کبوتر سخن می‌گوید: «کبوترخانه یکی از بناهای جالب اطراف اصفهان است. آنها را کم و بیش به اندازهٔ برج بزرگ یک قلعه می‌سازند. قسمت تحتانی آنها دارای خطوط متقاطع و پیچ در پیچ تزیینی است، که یک کار زرگری واقعی به شمار می‌رود که در خشت و گل به عمل آمده است. روی آن چینه‌های آجری قرار دارد که بنا بر سلیقه‌ی صاحبانش با بوالهوسی ترتیب یافته و بالاخره درقسمت فوقانی آن اهرمی دارد با سوراخ‌های متعدد و قرینهٔ هم دیگر که لانهٔ کبوتران است» (گوبینو، ۱۳۶۷: ۱۹۰).

جرج ناتانیل کرزن (۱۸۸۹م) می‌نویسد: «... در حوالی شهر اصفهان، جالب‌ترین چیزی که دیده می‌شود تعداد زیادی برج گِرد با مناره‌های کوچکی است که بر رأس آن ساخته‌اند. این برج‌ها گاهی شصت تا هفتاد پا ارتفاع دارد و آن را در وسط محوطه یا باغی بر پا می‌سازند که در نظر کسانی که با آن آشنا نباشند، یادآور قلعه‌های دورهٔ سر کرده‌های فئودالی است؛ ولی حقیقت امر این است که از جنبه‌های رمانتیک کاملاً خالی است...» (کرزن، ۱۳۶۷: ۲۲).

الیزابت بیزلی (۱۹۶۰) چنین نوشته است: «علی الاصول، برج‌ها از یک استوانهٔ خارجی تشکیل شده‌اند، که برای پایداری بیشتر متمایل ساخته شده و از داخل به وسیلهٔ تکیه‌گاه‌هایی به استوانهٔ داخلی متصل گشته است. استوانهٔ داخلی تقریباً به اندازه یک برابر و نیم قسمت اصلی ارتفاع دارد. استوانهٔ اصلی در جهت عمودی به کمک راهروهایی به چند طبقه تقسیم می‌شوند. این راهروها هنگام برخورد با دیوارهای تکیه (جرزها)، آن را بریده و به مسیر خود ادامه می‌دهند. یک پلهٔ دوار، راهروها را به هم متصل می‌سازد. راهروها بر روی طاق‌های هلالی و گنبدهای نعلبکی شکل روی دیوارهای تکیه، که از بالا مثل پره‌های چرخ هستند، قرار گرفته‌اند. گنبدها سوراخ شده‌اند تا به پرندگان اجازه بدهند به پایین و بالا پرواز کنند. همچنین قوس‌های باز، فضاهای استوانه‌های داخلی و خارجی را در تمام سطوح به هم متصل می‌سازند. کبوترها فقط از استوانه‌های کوچک گنبددار «فلفل‌دان‌ها» در سطح بام با آجر چینی خانه زنبوری بنا، وارد می‌شوند. یک در کوچک معمولاً در سطح زمین (بعضی اوقات دو در) بسته و مُهر شده است. به احتمال زیاد به دلیل مقابله با خطر مارها بوده است» (بیزلی، ۱۳۷۴: ۷) (تصویر۳).

[13] Jean Chardin
[14] Joseph Arthur de Gobineau

تصویر ۳. نمونه‌ای از کبوترخانه‌های استوانه‌ای اصفهان در نزدیکی آتشگاه (مأخذ: Beazly, 1966: 108)

هانری رنه دالمانی[15] در توصیف برج‌های کبوتر چنین نگاشته است: «در بعضی از این برج‌ها، چهارده هزار کبوتر به راحتی می‌توانند به راحتی زندگی کنند، در اصفهان و در مزرعه چهار برج آن، کبوترخانه‌ای است که مرکب از ۲۵ برج در داخل یک کبوتر خانه و بیش از ده هزار آشیانه کبوتر است که می‌تواند بیش از چهل هزار کبوتر و جوجه کبوتر را همزمان در خود جای دهد» (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۹۹۸). فردریک ریچاردز (۱۹۳۰م) بیان کرده است: «داخل این برج‌ها مرکب از حجره‌های کوچکی است که کبوتران آشیانه‌های خود را در آنجا می‌سازند و در حدود پنج تا شش هزار حجره در این برج‌ها موجود است که در هریک از آنها یک جفت کبوتر جفت‌گیری می‌کنند و تشکیل خانواده می‌دهند. این برج‌ها اکنون مورد استفاده نیست و ویران شده است، اما در عین حال ارزش این را دارد که از لحاظ معماری مورد ملاحظه و معاینه واقع شود. بعضی از آنها طوری ویران شده است که قسمتی از تمام ساختمان برج را می‌توان مشاهده کرد و دانست که معماران آنها تا چه اندازه برای صرفه جوئی از زمین استادی و مهارت به خرج داده‌اند. در مرکز ساختمان، دو دیوار یکدیگر را به شکل زاویه قائمه قطع کرده و یک صلیب تشکیل داده‌اند. هر دو دیوار مزبور و همچنین قسمت داخلی دیوارهای خارج دارای حجره است. از هر اینچ (۲/۵۳۹س) زمین استفاده شده، به‌طوری که این قسمت از برج عیناً شبیه سطح کندوی زنبور عسل است. درب این برج که در نیمه ارتفاع آن واقع شده فقط سالی یکبار باز می‌شده و آنهم برای خارج کردن کود بوده است در غیر این مواقع، آن را مانند خود برج با آجر پوشانده و روی آن گچ می‌مالیدند. طرز آجرکاری پیشامدگی لبه بام و مناره‌ها که سالم مانده، بسیار مزین است و در ساختن آنها تنها مفید بودن را مورد توجه قرار نداده‌اند. بعضی از این آجرها را مانند ردیف دندان و برخی دیگر را طوری ترتیب داده‌اند که مثلثی شکل درآمده است، دریچه‌هایی که در بالا به عنوان مدخل تعبیه شده و همچنین محل خروج کبوترها، شبیه طرح شطرنجی است. اینها شبیه برج‌های گرد قصور قرون وسطی در انگلستان است، با این تفاوت که در بالای آنها اغلب دویا سه برج یا مناره مشابه دیده می‌شود که به ترتیب هریک از دیگری کوچکتر می‌گردد، تا هنگامی که اندازه مرتفع‌ترین آنها به شصت یا هفتاد پا می‌رسد. این کبوترخانه‌ها برای نگهداری کبوتران به منظور استفاده از کود حیوانی ساخته شده است» (ریچاردز، ۱۳۷۳: ۷۳).

استفاده از کبوتر و ایجاد کبوترخانه در ایران بیشتر در کشاورزی و تهیه کود بوده و اهمیت کبوترخانه‌ها در اقتصاد کشاورز ایران چنان بوده است که غازان خان مغول، در کنار سایر اقداماتی که برای احیای کشاورزی ایران انجام داده، فرمان‌هایی برای حفظ و نگهداری کبوتران و کبوترخانه‌ها نیز صادر کرد. او بازداران و دیگر عملهٔ دولت را از اینکه کبوتران را از روستاییان بگیرند، منع نمود و قدغن کرد که هر جا برج کبوتری وجود دارد، دام بگذارند. رشیدالدین فضل‌اله همدانی در باب دهم آثار و احیاء یا آثار و اخبار چنین آورده است: «... و پادشاه اسلام چون قوشچیان را از گرفتن کبوتر و مرغ

[15] Henry Rene DAllemagne

مردم منع فرمود و آن را در وجه طیور خاصه معین گردانید... و نیز حکم یرکیغ[۱۶] ـ یرلیغ روانه فرمود تا هر کجا که برج کبوتری باشد، صیادان البته دام ننهند» (رشید الدین فضل الله، ۱۳۵۸: ۳۴۸).

فضولات کبوتران در صنایع از جمله صنعت دباغی و چرم‌سازی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند، به گونه‌ای که پوست‌های آماده شده جهت دباغی را در مرحله آنزیم‌دهی که می‌توان مهم‌ترین مرحلهٔ چرم‌سازی نامید، برای چند روز در محلولی از آب و فضله مرغ و کبوتر می‌خوابانن. این عمل پروتئین‌های اضافی پوست که موجب خرابی چرم می‌گردد را از بین می‌برد و باعث نرمی و لطافت و انعطاف پوست در برابر سرما و گرما می‌شود. همچنین در این مرحله منافذ سطح پوست بازتر شده و امکان نفوذ مواد مصرفی در مراحل بعدی تسهیل می‌گردد (پارسا،۱۳۸۷:۹۱).

به گفته بیزلی از فضله کبوتر به‌عنوان کود جهت تقویت زمین‌های کشاورزی به ویژه جالیز، ساخت باروت تفنگ و دباغی استفاده می‌شده است (Dewan, 14: 1955 ؛ بیزلی، ۱۳۷۴: ۱۱۱). در ساخت باروت نیز فضله کبوتر مورد استفاده قرار می‌گرفت و شاردن (۱۶۶۴-۱۶۷۰م) اینگونه عنوان کرده که «شاه عباس صفوی، مالیات به نسبت سنگینی بر کبوترخانه‌ها می‌بست. درحوالی اصفهان، بیش از سه هزار کبوترخانه وجود دارد و همهٔ این‌ها، چنانکه من دیده‌ام بیشتر برای تحصیل کود[۱۷] ساخته شده است، نه برای پرورش و تغذیهٔ کبوتران...» (شاردن، ۱۳۳۰: ۳۸۶).

همچنین در رابطه با فضلهٔ کبوتر چنین نوشته: «ایرانیان، فضله این پرنده را «چلغوز» می‌نامند که به معنی محرک و مقوی است و از آنجایی که «سرگین»[۱۸] برای خربزه بهترین کود است؛ میوه‌های پر رنگ و بو و خوشمزه ایران و اصفهان مدیون این کبوترخانه‌هاست» (شاردن، ۱۳۳۰: ۳۶۸). (تصویر۴).

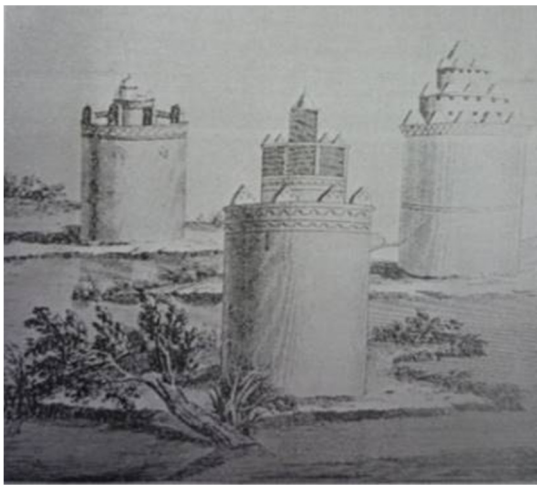

تصویر ۴. نگاره‌ای از برج‌های کبوتر (مأخذ: آلبوم شاردن، ۱۳۳۰: ۳۶۰)

انگلبرت کمپفر(۱۶۸۳-۱۶۸۵م) که در زمان سلطنت شاه سلیمان صفوی در اصفهان حضور داشته، منظور از ساختن این کبوترخانه‌ها را جهت استفاده فضله کبوتر در کود دادن صیفی‌کاری و تاکستان‌ها، هر سال دوبار؛ بیان کرده است» (کمپفر، ۱۳۶۰:۲۱۷).

از دیگر متون دورهٔ صفوی (قرن دهم ه.ق) که در آن به کود کبوتر و نگهداری از کبوترخانه‌ها اشاره شده/*رشاد الزراعه* قاسم بن یوسف ابونصری هروی (هروی، ۱۳۴۶: ۸۰ ـ ۱۶۷) و *معرفت فلاحت* عبدالعلی بیرجندی (بیرجندی، ۱۳۸۷: ۱۳۱ ـ ۱۳۲) است.

کنت دوگوبینو (۵۸-۱۸۵۵م) در یادداشت‌های خود از کارکرد و محصول برج‌های کبوتر سخن به میان آورده: «کشاورز ایرانی اهمیت زیادی به کودهایی که طی

[۱۶] واژه‌ای است مغولی به معنای حکم و فرمان شاه یا امیر (شریک امینی، ۱۳۵۷: ۳)

[۱۷] بنا به گفته شاردن، در ناحیه اصفهان سرگین کبوتر را بوزن می‌فروخته‌اند که هر ۱۴ لیور آن به یک سیستم دینار به نرخ آغاز قرن چهاردهم فروخته می‌شده است. برای کسب حق ساختن برج کبوتران یا بقول شاردن کبوتر خان و فروختن سرگین کبوتر عوارضی جزیی به نفع دولت مأخوذ می‌گردیده است.

[۱۸] سرگین(sergin): فضلهٔ حیوانات به خصوص وقتی که آن را خشک و جهت سوزاندن تهیه کرده باشند.

سالیان دراز در این محل جمع می‌شود، می‌دهد و از آن استفادهٔ خوبی برای کشت سبزیجات می‌کند.» (گوبینو، ۱۹۰:۱۳۶۷). ویلز (۸۲-۱۸۶۷ م) در خاطرات خود با نگاهی دقیق توأم با تحسین و با حوصله‌ای فراوان، به ذکر توصیفی از کالبد بیرونی و جزییات داخلی برج‌های کبوتر می‌پردازد: «مردم اصفهان اقدام به ساختن برج‌هایی به نام «کبوترخان» برای کبوتران خود می‌کنند تا فضلهٔ به هم فشرده و محکم روی هم انباشته شدهٔ برج‌ها را که برای زراعت کاران حسابگر اصفهانی ارزش فوق العاده‌ای دارد، به کار گیرند» (ویلز، ۱۳۶۸: ۱۷۵).

ژان دیولافوا (۸۶-۱۸۸۴م) در کتاب *ایران، کلده و شوش* در خصوص طرز تهیهٔ کود در اصفهان می‌نویسد: «... طریقهٔ دیگری هم برای فراهم کردن کود هست. مالکین در اطراف شهر اصفهان در دهکده‌ها برج‌های بزرگ و متعددی برای کبوتران صحرایی ساخته‌اند و کبوتر به قدری در اصفهان زیاد است که شخص تازه وارد تصور می‌کند که تمام اهالی از گوشت کبوتر تغذیه می‌کنند، ولی این طور نیست. این حیوان دعوت شده است که اجتماعی تشکیل دهد و بیشتر در برج بماند و فضولاتی در آن بریزد. فضلهٔ کبوتر چون با خاکروبه‌ها مخلوط شود، برای پرورش خربزه و هندوانهٔ معروف اصفهان کود بسیار خوبی است» (دیولافوآ، ۱۳۶۹: ۳۰۳). فردریک ریچاردز (۱۹۳۰م) نوشته است: «این کبوترخانه‌ها برای نگهداری کبوتران به منظور استفاده از کود حیوانی ساخته شده است» (ریچاردز، ۱۳۴۳: ۷۳). جکسن نیز بیان کرده است: «منبع درآمدی هنگفت برای کسانی هستند که فضولات این پرندگان را به عنوان کود به مزارع اطراف می‌فروشند» (جکسن، ۱۳۵۷: ۳۰۶-۳۰۵).

کرزن (۱۸۸۹م) در این خصوص می‌نویسد: «... برج کبوتر ... برای حمایت این پرندگان و پرورش آنها ساخته می‌شود. این کبوترها روزها در مزارع می‌مانند و شب‌ها در این برج‌ها به استراحت می‌پردازند. در داخل این برج‌ها، حفره‌ها و چاله‌ای در وسط وجود دارد که برای انباشتن فضله این حیوان است و آن فضله‌ها در گرداگرد جالیزهای مجاور پراکنده است. این چاله‌ها را سالی یک بار تمیز می‌کنند، ولی من گمان می‌کنم خسارتی که از این پرندگان به کشتزارها می‌رسد، به مراتب بیشتر از ارزش کود آنهاست» (کرزن، ۱۳۶۷: ۲۲).

تاریخ‌گذاری کبوترخانه‌ها

تاریخ دقیق ساخت کبوترخانه‌ها به درستی مشخص نشده است. اگرچه با استناد به متون منظوم و منثور فارسی، تاریخ احتمالی ساخت کبوترخانه‌ها در ایران، قرن چهارم ه.ق پیشنهاد می‌شود؛ اما با مراجعه به متون کهن کشاورزی تاریخ ساخت کبوترخانه در ایران حداقل به دوره ساسانی باز می‌گردد. در این خصوص، کتاب *ورزنامه* نوشتهٔ فسطیوس اسکوراسیکه، مربوط به قرن ششم میلادی، قابل توجه است. در بخش نهم این سند ارزشمند که در زمان ساسانیان به پهلوی ترجمه شده، توضیحاتی در مورد چگونگی فعالیت کبوترخانه‌ها و نگهداری و پرورش کبوتران آمده است (اسکوراسیکه، ۱۳۸۸: ۱۳۹ـ۱۴۱)، اما تاریخ‌گذاری دقیق آن نیازمند کاوش‌های منسجم باستان‌شناسی است.

لیکن با توجه به اشاره به وجود کبوترخانه‌ها توسط نرشخی در قرن چهارم هجری (نرشخی، ۱۳۵۱: ۲۸۳)، پس از آن احمد طوسی همدانی در قرن ششم (همدانی، ۱۳۷۵: ۲۹۶) و قزوینی در قرن هفتم (قزوینی، ۱۳۶۱: ۴۴)، ابن بطوطه در قرن هشتم هجری (موحد، ۱۳۶۱: ۲۱)، همچنین به دلیل ذکر نام «ورده» به معنی «برج کبوتر» در *صحاح الفرس* مربوط به قرن هشتم هجری (نخجوانی، ۱۳۵۵: ۲۹۲) می‌توان وجود کبوترخانه‌ها در فاصله قرون چهارم تا هشتم را قطعی دانست.

اما ازدیاد ساخت کبوترخانه‌ها را مبنی بر گفته‌های شاردن و کمپفر، می‌توان مربوط به دوره صفوی دانست. تداوم استفاده و ساخت آنها نیز با تکیه بر اشاره لیدی

شیل و فلاندن که به ترتیب در زمان سلطنت ناصر الدین شاه و محمد شاه قاجار بازدید نموده‌اند؛ همچنین اشاره به وجود کبوترخانه‌ها در متون کنت دوگوبینو، ارنست هولتسر، ویلز، ژان دیولافوا، کرزن، هانری رنه دالمانی، آبراهام ویلیامز جکسن، فردریک ریچاردز، مریت هاکس، الیزابت بیزلی به دوره قاجار برمی‌گردد. با بررسی برخی اسناد، همانند تاریخ فروش این برج‌ها که ثبت گردیده، قدمت آنها را حدود پانصد سال می‌توان تخمین زد (بهشتیان، ۱۳۴۲: ۳۴). همچنین با توجه به بررسی میدانی نگارندگان، قدمت کبوترخانه‌ها در استان اصفهان اغلب، مربوط به ۵۰۰ تا ۶۰۰ سال پیش است.

نظام حقوقی کبوترخانه‌ها

با توجه به مطالب پیش‌گفته، چنین ارزیابی می‌شود که حضور برج کبوتر در تاریخ معماری ایران به دوره ایلخانی برمی‌گردد، اما متون تاریخی و مستندات معماری موجود بر رواج و توسعه این نوع بنا در دوره صفویه تأکید می‌کند. آن‌طور که گفته شده است، دورهٔ رونق کبوترخانه‌ها را باید مقارن با انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان و سلطنت شاه عباس صفوی (۹۷۹ تا ۱۰۰۸ ه. ش) و پس از آن یعنی تا سال ۱۰۷۹ هجری شمسی دانست (فوران، ۱۳۷۸: ۵۶). بر این اساس، توسعهٔ مزارع بزرگ کشاورزی در روستاها به ویژه حاشیهٔ رودخانه زاینده‌رود منجر به ساخت کبوترخانه‌های متعدد شد. به همین دلیل، مالکیت کبوترخانه‌ها در نظام اجتماعی دوره صفویه دارای اهمیتی خاصی بوده است، چنانکه اجازهٔ ساخت آنها، حتی به ایرانیان غیر شیعه داده نمی‌شد. در همین رابطه شاردن نوشته است: «تمام کسانی که مایل به داشتن کبوترخانه هستند، به استثنای سکنه‌ای که متدَین به مذهب رسمی کشور نیستند، می‌توانند آن را بسازند» (شاردن، ۱۳۳۰: ۳۸۶). اختصاص برج‌ها به شیعیان در عصر صفوی، به عنوان یکی دیگر از شواهد تفکر شیعی حاکم بر نظام اداری ـ سیاسی ـ اجتماعی ایران در دوره صفویه است. بنا بر گفته شاردن، سرگین کبوتر را به وزن می‌فروخته‌اند، به‌طوری که هر چهارده «لیور» این کود معادل یک بیستم دینار بود و برای کسب حق ساختن برج کبوتران و فروختن سرگین کبوتر، مالیات مختصری به شاهنشاه پرداخت می‌شده است (شاردن،۱۳۳۰:۳۸۶). مالکیت‌های برج‌ها در دوران صفوی به انواع گوناگون تقسیم می‌شد: مالکیت وقفی، مالکیت شاهی و مالکیت خصوصی و اربابی. معمولاً حکام صفوی برای اینکه به املاکشان مالیات تعلق نگیرد، آنها را به موقوفه تبدیل می‌کردند که این موضوع در مورد برج‌های کبوتر نیز صدق می‌کند. شایان ذکر است وجود ساختار ارباب ـ رعیتی از مهم‌ترین موانع ایجاد کبوترخانه‌ها توسط دهقانان خرده پا محسوب می‌شد. اسناد دوره قاجار از تداوم نظام اجتماعی ـ طبقاتی دورهٔ صفویه حکایت می‌کند و نشان می‌دهد که کبوترخانه‌ها به املاک حکومتی و اربابی تعلق دارند. همچنین بررسی‌های صورت گرفته در اکثر برج‌ها نشان می‌دهد که این برج‌ها نسل به نسل، از پدر به فرزند رسیده و بیشتر آنها متعلق به ورثهٔ مالکین قبلی است. در دورهٔ قاجار، برخی از کبوترخانه‌ها در منطقه گلپایگان به صورت وقفی به افراد مجتهد و روحانی و یا اشخاص مورد اعتماد سپرده و درآمد آن صرف کارهای عام المنفه می‌شد. مردم هم برای انجام کار خیر از کبوتران مراقبت می‌کردند (محمودیان، ۱۳۷۹: ۲۱۴).

پراکنش جغرافیایی کبوترخانه‌ها

قلمروی دقیق کبوترخانه‌ها به درستی شناسایی نشده، اما بیشترین پراکنش ساخت آنها متعلق به مناطق اقلیم کویری و خشک است. کبوترخانه‌ها در استان‌های اصفهان، مرکزی، یزد و آذربایجان در گذشته دیده شده‌اند (سهرابی‌نژاد، ۱۳۸۱: ۲) در منطقهٔ آذربایجان، این برج‌ها مخروب و تنها در شهر مراغه در روستای اسفستانج نمونه این برج دیده می‌شود. در استان مرکزی

نیز در شهرستان زرندیه تنها یک برج کبوتر شناسایی شده است (بحرانی‌پور، ۱۳۹۱: ۸۹).

در شهر اصفهان، تعداد کبوترخانه‌ها بیش از مناطق دیگر ایران بوده است؛ نخست به دلیل وجود رود دائمیِ زاینده‌رود که با آن باغات و مزارعِ آبیاری می‌شدند و محیط بسیار مناسبی برای ساخت کبوترخانه‌ها بوده است؛ دوم آنکه اصفهان در دوره صفوی مورد توجه شاهان صفوی بوده و جدای از خود شهر اصفهان، برخی روستاها و مناطق و شهرهای اطراف نیز، لزوماً جهت تأمین نیازهای غذایی شاهان از جهت کشاورزی توسعه پیدا می‌کنند و در نتیجه با رونق کشاورزی در آن مناطق، تولید انبوه کود از جمله کود کبوتر نیز، به طور ضروری مورد توجه قرار می‌گیرد. کبوترخانه‌های اصفهان در دشت‌های مرکزی و در حاشیه و مسیر زاینده رود، با آب و هوای طبیعی معتدل و جهت نگهداری کبوتران، ساخته می‌شدند. بنابراین، پراکندگی نسبی کبوترخانه‌ها در مناطقی نظیر شهر اصفهان (در داخل شهر و همچنین مناطق گورت، ردان، اشکاوند) که سیاحانی مانند کمپفر، لیدی شیل، فلاندن، نت دوگوبینو، ارنست هولتسر، ویلز، ژان دیولافوا، کرزن، هانری رنه دالمانی، آبراهام ویلیامز جکسن، فردریک ریچاردز، مریت هاکس و الیزابت بیزلی به آنها در شهر اصفهان اشاره نموده‌اند، و حوزه‌های اصفهان شامل منطقه لنجان و فلاورجان، که ابن بطوطه نیز در قرن هشتم هجری به آنها اشاره می‌کند و همچنین شهرستان‌های شهرضا، خوانسار، گلپایگان، نجف آباد، تیران و کرون بیش از سایر مناطق استان است. بر پایهٔ بررسی‌های میدانی نگارندگان، هر چه از حاشیه زاینده‌رود فاصله گرفته، این پراکندگی بیشتر و تعداد برج‌ها کمتر می‌شود و در مناطق کوهستانی (به سمت شمال غربی و جنوب غربی استان) و مناطق بیابانی (سمت شمال و شمال شرقی و جنوب شرقی و شرق استان) دیگر اثری از برج نیست.

نتیجه‌گیری

یکی از آثار مهم و در عین حال انگشت‌شمار کشور و حتّی دنیا، کبوترخانه‌ها هستند که در ایران عمدتاً در منطقه اصفهان ساخته شده‌اند. در ارتباط با تاریخ ساخت این ابنیه، ابهامات بسیاری وجود دارد، اما با مراجعه به متون تاریخی و پژوهش‌های محلّی، مشخّص گردید که کبوترخانه‌ها از دوران تیموری به صورت پراکنده و یا با کاربردی متفاوت وجود داشتند، اما کاربرد اصلی و ساختار عمدهٔ آنها در دورهٔ صفویه، که اصفهان به پایتختی انتخاب شده بود، شکل گرفته است. زیرا در طول این دوره، به دلیل روند رو به رشد مهاجرت به داخل شهر اصفهان، نیاز به محصولات مختلف کشاورزی بیش از پیش احساس می‌شد و بخشی از آن با واردات از شهرها و مناطق مجاور تأمین می‌شد؛ اما به دلیل محدودیت‌های فضایی زمین‌های کشاورزی و پایین بودن کیفیت‌های کودهای حیوانی و انسانی، ضرورت استفاده از کود کبوتران بیش از پیش احساس شد، چرا که بنا به اشارات بسیاری از کتب تاریخی، یکی از بهترین انواع کودها برای محصولات کشاورزی، کود کبوتران بوده است. از این روی اقدام به ساخت تعداد فراوانی کبوترخانه کردند که هر یک گنجایش هزاران کبوتر را داشت. این ابنیه، به دلیل نوع ساختار معماری منحصر به فرد خود، در گذشته اعجاب و ستایش سیّاحان، به‌ویژه سیاحتگران اروپایی در بازدید از این منطقه را فراهم آورده بود. آنچه این بناها را مهم و متمایز می‌کند، بومی بودن معماری آنهاست. معماران و سازندگان محلی با به کارگیری کمترین فضا و مصالح بوم‌آورد، بنایی با استحکام و ضد زلزله خلق کرده‌اند که علاوه بر کاربرد کشاورزی، با به کارگیری تدابیر ساده، توانسته محلی امن برای زندگی کبوتران باشد.

منابع

ابن بطوطه (۱۳۶۱)، *سفرنامهٔ ابن بطوطه*، ترجمهٔ علی موحد، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

اسدی طوسی، ابونصرعلی ابن محمد (۱۳۵۶)، *لغت فرس*، به کوشش محمود میرسیاقی، تهران: طهوری.

اسکوراسیکه، فسطیوس (۱۳۸۸)، *ورزنامه*، تدوین حسن عاطفی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

ابن خلف تبریزی، محمد حسین (۱۳۳۶)، *برهان قاطع*، به کوشش م. سعیدی پور، ج۲، تهران: خرد ـ نیما.

بحرانی پور، حنان (۱۳۹۱)، «گزارش بررسی باستان شناسی شهرستان زرندیه، استان مرکزی»، *چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهم آیی سالانهٔ باستان شناسی*، ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۳۹۱، ص۸۹.

بهشتیان، عباس (۱۳۴۲)، *بخشی ازگنجینه آثار ملی اصفهان*، تهران: انجمن آثار ملی.

بیرجندی، عبدالعلی (۱۳۸۷)، *معرفت فلاحت (دوازده باب کشاورزی)*، به تدوین ایرج افشار، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.

بیزلی، الیزابت (۱۳۷۴)، *برج‌های کبوتر اصفهان*، ترجمهٔ مهندس کسائیان، اصفهان: آرشیو دفتر حفاظت آثار باستانی اصفهان.

پارسا، نکیسا (۱۳۸۷)، «چرم همدان از فرهنگ تا صنعت»، *فصلنامه فرهنگ مردم*، ش۲۶، فروردین ۱۳۸۷، صص۹۰ـ۹۲.

پوپ، آرتور (۱۳۸۴)، *هنر و معماری ایران*، ترجمهٔ غلامحسین صدری افشاری، تهران: یساولی.

جابری انصاری، حاج میرزا حسن خان (۱۳۵۸)، *تاریخ اصفهان (بخش نخست)*، به اهتمام جمشید مظاهری، اصفهان: بی‌نا.

جکسن، آبراهام ویلیامز (۱۳۷۵)، *سفرنامهٔ جکسن، (ایران در گذشته و حال)*، ترجمهٔ منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، تهران، خوارزمی.

خاقانی شروانی، افضل‌الدین بدیل‌بن علی (۱۳۳۸) *دیوان خاقانی شروانی*، به تصحیح ضیاءالدین سجادی، تهران: زوار.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳)، *لغت نامه دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۶۳)، *امثال و حکم*، چهارجلدی، تهران: انتشارات امیرکبیر.

دیولافو، مادام ژان (۱۳۶۹)، *ایران، کلده و شوش*، ترجمهٔ علی محمد فره‌وشی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

راعی، پیمان (۱۳۸۸) «اصطلاحات و واژه‌های کشاورزی و باغداری در گویش قمشه (شهرضا)»، *فرهنگ مردم*، ش ۳۱ـ۳۲، ۱۳۸۸، صص۱۵۳ـ ۱۶۸.

رامپوری، غیاث الدین محمدبن جلال الدین شرف الدین (۱۳۶۳)، *غیاث اللغات*، به کوشش منصورثروت، تهران: امیرکبیر.

رنه دالمانی، هانری (۱۳۳۵)، *سفرنامهٔ از خراسان تا بختیاری*، ترجمهٔ فره‌وشی، تهران: امیرکبیر.

رشید الدین فضل الله، (۱۳۵۸)، *تاریخ مبارک غازانی*، ج ۱، به کوشش کارل یان.

سروری کاشانی، محمد قاسم بن حاجی محمد (۱۳۳۸)، *مجمع الفرس*، به کوشش محمد دبیرسیاقی، ج۳، تهران، علی اکبر عملی.

سهرابی نژاد، حسین (۱۳۸۱)، «کبوترخانه»، *نشریه شکار و دوستداران طبیعت*، ش۷۲، ۱۳۸۱، صص ۱ـ۳.

شاردن، ژان (۱۳۳۰)، *سیاحتنامهٔ شاردن*، ترجمهٔ محمد عباسی، ج۴، تهران: امیرکبیر.

شریک امینی، شمیس، (۱۳۵۷)، *فرهنگ اصطلاحات دیوانی دوران مغول*، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.

شیل، مری (۱۳۶۸)، *خاطرات لیدی شیل*، ترجمهٔ حسین ابوترابیان، تهران: نشر نو.

فردریک، ریچاردز (۱۳۴۳)، *سفرنامهٔ فرد ریچاردز*، ترجمه میهن دخت صبا، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

فلاندن، اوژن ناپلئون (۱۳۵۶)، *سفرنامهٔ اوژن فلاندن به ایران در سال‌های۱۸۴۰ و ۴۱*، ترجمهٔ حسین نور صادقی، تهران: اشرافی.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲) *نگاهی به اهمیت و پیشینهٔ کبوترخانه‌های ایران*، تهران: جشنوارهٔ هنری ادبی روستا.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۷)، «کبوترخانه‌های ایران، اعجاز معماری و خلاقیت در کار کشاورزی»، *نما*، ش۱۱ـ۱۲، صص۱۱ـ۳۹.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲)، «کبوترخانه‌های اصفهان در منابع خارجی»، *باستان شناسی و تاریخ*، س۸، ش ۱۵، صص۳۸ـ ۴۷.

فرهادی، مرتضی (۱۳۶۹)، «کبوترخانه‌های کمره»، *سنبله*، ش ۱۷ و ۱۸.

فرهادی، مرتضی (۱۳۷۲)، «نیم نگاهی به کبوترخانه‌های ایران»، *ایران زمین*، ش۴۵.

فوران، جان (۱۳۷۸)، مقاومت شکننده *تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمهٔ احمد تدین، تهران: رسا.

قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود المکمونی (۱۳۶۱)، *عجایب‌المخلوقات*، تدوین نصراله صبوحی، تهران: کتابخانه مرکزی.

کرزن، جرج ناتانیل (۱۳۶۷)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ غلامعلی وحید مازندرانی، ج۲، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰)، *سفرنامهٔ کمپفر*، ترجمهٔ کیکاووس جهانداری، تهران: انتشارات خوارزمی.

گوبینو، کنت دو (۱۳۶۷)، *سه سال در آسیا*، ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: کتابسرا.

گوهربین، صادق (۱۳۳۷)، *فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی معنوی جلال الدین محمدبن حسین بلخی*، تهران: دانشگاه تهران.

مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲)، *نزهه القلوب*، به تصحیح و کوشش گای سیراغ، تهران: پرتو واقعه.

محمودیان، سید محمد و چیت‌ساز، علی (۱۳۷۹)، *برج‌های کبوتر اصفهان*، اصفهان: نشرگل‌ها.

محمدی، سیده ساجده (۱۳۹۲)، *بررسی برج‌های کبوتر استان اصفهان*، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته باستان شناسی، تهران، دانشگاه تهران.

مفخم پایان، لطف الله (۱۳۳۹)، *فرهنگ آبادی‌های ایران*، تهران: امیر کبیر.

مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی (۱۳۸۱)، *کلیات شمس تبریزی (مطابق نسخه تصحیح شده استاد بدیع‌الزمان فروزانفر)*، تهران: انتشارات مهتاب.

نخجوانی، محمد بن هندوشاه (۱۳۵۵)، *صحاح الفرس*، به کوشش عبدالعلی طاعتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳)، *ناظم الاطبا، فرهنگ نفیسی*، ج۴، تهران: خیام.

نرشخی، ابوبکر محمدبن‌جعفر (۱۳۵۱)، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمدبن نصر قبادی، به‌تصحیح محمدعلی مدرس زنوزی، محمدبن زُفَربن عمر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ویلز (۱۳۶۸)، *ایران در یک قرن پیش، سفرنامهٔ دکتر ویلز*، ترجمهٔ غلامحسین قراگوزلو، تهران: انتشارات اقبال.

هادی زاده کاخکی، سعید، (۱۳۸۵)، *کبوترخانه‌ها در ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

هاکس، مریت (۱۳۶۸)، ایران، *افسانه و واقعیت (خاطرات سفر به ایران)*، ترجمهٔ محمد حسین نظری نژاد، محمد تقی امیری، مشهد: آستان قدس رضوی.

هروی، قاسم‌بن یوسف ابونصر (۱۳۴۶)، *ارشادالزراعه*، به اهتمام محمد مشیری، تهران: دانشگاه تهران.

همدانی، محمد بن محمود بن احمد (۱۳۷۵)، *عجایب المخلوقات و غرایب‌الموجودات*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: نشر مرکز.

هولستر، ارنست (۱۳۵۵)، *ایران در ۱۱۳ سال پیش، بخش اصفهان*، ترجمهٔ محمد عاصمی، تهران: فرهنگ و هنر، مرکز مردم‌شناسی ایران.

Beazley, E . (1966), “The Pigeon Towers of Isfahan”, Iran, Journal of the British Institue of Persian Studies, the British Academy, Burlington Gardens, London, Vol.IV. pp. 105-109.

Dewan, M. l. (1955), *Towers and Pigeon in Iran*, World Crops.